



جمهوری اسلامی و موج جدید سرکوب

وحشت سران جمهوری اسلامی از نارضایتی و خشم توده ها در روزهای اخیر تا جایی است که حتی در برخی نقاط، یگان های ویژه ضدشورش ظاهرا با هدف "کنترل ترافیک" خیابان های مرکزی شهر و نقاط مهم را در کنترل خویش گرفتند.

(ادامه مطلب در صفحه ۳)



کانادا:

خشم کارگران از خیانت های رهبران اتحادیه

اخیرا رهبران "فدراسیون کارگران بریتیش کلمبیا" (BCFL) - بریتیش کلمبیا نام یکی از استان های کانادا است - به همراه "اتحادیه کارگران بیمارستانها" (HEU) که با همکاری با دولت دست راستی این استان، اعتصابات اخیر کارگران را به شکست کشاندند، با اعتراض شدید کارگران روبرو شده اند. قضیه از این قرار بود که در آغاز ماه مه امسال، حدود ۴۳ هزار کارگر بیمارستان در استان بریتیش کلمبیا تصمیم به اعتصاب علیه قوانین ضدکارگری دولت و بخصوص اعتراض به تصویب ماده ۳۷ قانون کار گرفتند.

(ادامه مطلب در صفحه ۲)

منطقه، گروه گروه جوانان را به بهانه های گوناگون دستگیر کرده و با وضع تحقیر کننده ای با خود بردند. مزدوران رژیم با توهین و ضرب و شتم مردم و با به نمایش گذاردن وحشیگری های خویش در انظار عمومی به ایجاد فضای رعب و وحشت در خیابان ها پرداختند. آنها در این روز با دستگیری تعداد زیادی از مردم زیر نام "مبارزه با مواد مخدر" و جلوگیری از "پخش داروها و سی دی های غیرمجاز و مبتذل" تهدید نمودند که عملیات "پاکسازی" را ادامه خواهند داد و در صورت لزوم تمامی "پاسژهای خیابان فردوسی و لاله زار جنوبی" را نیز تعطیل خواهند نمود. در این حال، پاسدار رویانیان رئیس پلیس ۱۱۰ نیز اعلام کرد که مأمورین انتظامی قصد دارند تا از این پس در تمامی "مراکز تفریحی فصلی" نیز "پاسگاه های فصلی" ایجاد کنند.

از سوی دیگر بلافاصله پس از وقوع زلزله گسترده ای که در روزهای گذشته استان مازندران و تهران را تکان داد و مردم را در وحشت فرو برد، نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی در هراس از واکنش های احتمالی مردم، بر حضور خویش در معابر افزوده اند و نیروهای انتظامی به حالت "آماده باش" درآمده اند. به این ترتیب محدودیت های ناشی از مسدود کردن جاده ها و کنترل رفت و آمدها و بازرسی گسترده در مناطق زلزله زده، به جزء عادی زندگی روزمره مردم رنجیده این مناطق بدل گشته و فضای رعب و وحشت بوجود آمده به نوبه خویش برابعد اندوه و غم ناشی از وقوع این زلزله افزوده است.

حکم اعدام یک زن و مرد را به جرم قتل صادر کرد. در همین تاریخ در تبریز نیز مقامات جمهوری اسلامی مردی را به "اعدام در ملا عام" محکوم نمودند. یکی از مقامات دادگستری آذربایجان شرقی نیز اعلام نمود که مأموران انتظامی جمهوری اسلامی با یورش با یک "جشن تولد" ۳۲ زن و مرد را به جرم "بدحجابی" دستگیر و سریعاً محکوم و مجازات نموده اند. کارگزاران حکومت در مورد فوق با بی رحمی تمام صاحبخانه را به یک سال حبس و بقیه شرکت کنندگان در جشن تولد را به ۷۴ ضربه شلاق محکوم نمودند.

به موازات صدور احکام اعدام و شلاق زنی در یکی دو هفته اخیر، حضور نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در شهرهای کشور نیز به شدت گسترده و چشمگیرتر شده است. به طور مثال روز سه شنبه ۱۲ خرداد ماه، هزاران تن از نیروهای انتظامی در "تهران بزرگ" ضمن هجوم به معابر عمومی و خانه های مردم، با کنترل نقاط حساس

در هفته های اخیر، ماشین سرکوب رژیم جمهوری اسلامی، موج جدیدی از اعدام و شکنجه و بگیر و ببندهای گسترده، شلاق زدن و اعمال فشارهای گوناگون بر علیه توده ها را در سراسر کشور سازمان داده است.

در همین رابطه طی روزهای اخیر در استان مازندران، دستگاه قضائی جمهوری اسلامی، حکم اعدام هفت نفر و حکم قطع دست راست و پای چپ دو تن دیگر را صادر کرد. رئیس کل دادگستری مازندران، تمامی قربانیان را "مفسد فی الارض" نامید و جرم آن ها را "محاربه"، "ارتباط با اشرار مسلح" خواند. احکام مجازات فوق در شرایطی صادر شدند که قربانیان همگی از تقریباً ۹ ماه پیش، یعنی از مهرماه سال گذشته دستگیر شده بودند. همزمان با این واقعه، دستگاه قضایی حکومت اعلام کرد که برای ۹۰ نفر دیگر حکم های حبس، شلاق و جریمه نقدی صادر کرده است. از سوی دیگر در تاریخ ۹ خرداد ماه در تهران، قوه قضائیه جمهوری اسلامی

گزارش جدید "عفو بین الملل" از نقض حقوق بشر در ایران

با انتشار گزارش جدید "سازمان عفو بین الملل" در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران، بار دیگر گوشه های هرچند کوچکی از تداوم نقض وحشیانه حقوق مردم، توسط رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در افکار عمومی مطرح شد.

(ادامه مطلب در صفحه ۲)



گزارش جدید "عفو بین الملل" از نقض حقوق بشر در ایران

(بقیه از صفحه ۱)



پس از مدت ها اسارت در جنگال دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی در شهر سنندج اعدام شده است. مادر ساسان، در زمان اعدام فرزندش به منظور تماس با یکی از گروه های کاری سازمان ملل که در زمینه "بازداشت های مستبدانه" از ایران دیدن می کرد، به تهران مسافرت کرده بود. اما هنگامی که وی در پایان سفرش برای ملاقات با فرزند در بندش عازم زندان می گردد، جلاخان جمهوری اسلامی به او اطلاع می دهند که پسرش را به دار آویخته اند و به او اخطار می کنند که در این زمینه نباید "هیاهو" براه اندازد و باید بدون برگزاری هر گونه مراسمی جسد فرزندش را سریعاً دفن نماید.

های وحشیانه دستگاه سرکوب خود مبادرت می ورزند، روشن می گردد که ابعاد واقعی اعدام ها و شکنجه و کشتار به ویژه در مورد مخالفین سیاسی، بسیار وسیعتر از آمار و ارقام مطرح شده در گزارش "سازمان عفو بین الملل" می باشد. در قسمت های دیگری از گزارش امسال "عفو بین الملل" در مورد رفتار سرکوبگرانه جمهوری اسلامی در ایران، به ادامه بازداشت دانشجویان دستگیر شده در جریان اعتراضات دانشجویی سالهای گذشته و تداوم دستگیری های "غیرقانونی" صدها دانشجو به ویژه در وقایع خرداد ماه ۱۳۸۲ توسط دستگاه های اطلاعاتی جمهوری اسلامی و "ناپدید" شدن فعالین دانشجویی نیز اشاره شده است. "گزارش" مزبور همچنین به اعدام یکی از زندانیان سیاسی کرد به نام ساسان علی خانی (از فعالین کومه له) اشاره می کند که

همچنان به اعدام های ضدخلقی خویش ادامه داده و در طول این مدت "حداقل ۱۰۸" تن را اعدام نموده که در بین آنها زندانیان سیاسی با احکام "طویل المدت" وجود داشته اند. عده ای از این قربانیان در "ملاء عام" حلق آویز شده اند. در طول یک سال گذشته، مزدوران جمهوری اسلامی ۴ تن را نیز "سنگسار" نموده و دست و پا و سایر اعضای بدن ۱۱ قربانی خویش را هم به شیوه های قرون وسطائی قطع کرده اند. البته محتویات گزارش "عفو بین الملل" در انعکاس جنایات جمهوری اسلامی، همچون همیشه اساساً مبتنی بر ادعاها و گزارشات رسمی خود رسانه های نظام بوده است. با در نظر گرفتن این واقعیت که مقامات جمهوری اسلامی تنها در موارد معدود و در راستای اهداف ضدخلقی مشخصی به اعلام رسمی برخی از اعدام ها و مجازات

به رغم تمامی تلاش هایی که تنظیم کنندگان این "گزارش" برای تخفیف و محدود نشان دادن ابعاد گسترده اقدامات ضدخلقی جمهوری اسلامی در زمینه سرکوب توده های تحت ستم ما از خود نشان داده اند، و از آن مهتر به رغم تمامی توهم پراکنی های این "گزارش" که با هدف تبرئه دارودسته خاتمی فریبکار صورت گرفته - بطور مثال گزارش مزبور دلیل نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی در سال گذشته را به "بن بست سیاسی" بین "مخالفان" و "موافقان" به اصطلاح اصلاحات در ایران نسبت داده است - مطالعه گزارش مزبور نشان می دهد که جمهوری اسلامی در زمینه سرکوب مخالفین نظام و پایداری حقوق توده ها در سال گذشته با چه شدتی عمل کرده است. مطابق گزارش "عفو بین الملل"، جمهوری اسلامی در سال گذشته

کانادا:

خشم کارگران از خیانت های رهبران اتحادیه

(بقیه از صفحه ۱)

در ادامه حرکت فوق، کارگران صنایع مختلف این استان نیز به حمایت از کارگران بیمارستان ها برخاستند. حمایت وسیع و بی سابقه از این اعتصابات به این دلیل بود که حکومت محلی

از سرمایه گذاری سرمایه داران، کارگران رسمی را اخراج کرده و کارگران نیمه وقت را که با شرکت های خصوصی قرارداد دارند تحت بدترین شرایط کاری استخدام می کنند. به عنوان مثال تاکنون ۱۰ هزار کارگر رسمی بیمارستان اخراج شده و به جای آنها کارگران قراردادی را استخدام موقت کرده اند. به این ترتیب حمایت همه جانبه ده ها هزار نفر از کارگران از این اعتصابات، نه تنها موجب بروز وحشت در میان اعضای دولت شد، بلکه رؤسای اتحادیه ها را هم از ترس از دادن اتوریته و کنترل شان بر اوضاع به تکاپو انداخت.

بریتیش کلمبیا که در طول ۳ سال گذشته بر سر کار بوده، حملات همه جانبه ای را علیه حقوق و آزادی های همه زحمتکشان این استان به راه انداخته است. خدمات اجتماعی در اثر سیاست های ضدخلقی سرمایه داران و دولت حامی آنان زیر نام خصوصی سازی، به پایین ترین میزان خود در تاریخ کانادا رسیده اند. قوانین ضدکارگری جدیدی وضع شده و مالیات مستقیم بر اجناس مورد نیاز مردم افزایش یافته و این در حالی ست که مالیات بر درآمد سرمایه داران کاهش یافته است. برای کاهش مخارج، دولت به جای افزایش مالیات بر سود ناشی



جمهوری اسلامی و موج جدید سرکوب

(بقیه از صفحه ۱)

از سوی دیگر اعلام شده است که سپاه پاسداران ضدخلقی در شهرهای مختلف استان خراسان برای "مقابله با اعتراضات اجتماعی" و "بحران های داخلی" درصدد برگزاری یک سری مانورهای نظامی می باشد. فرمانده سپاه ضدخلقی در این استان اعلام کرده که "سه هزار نیروی سپاه و هزار نیروی بسیجی" با استفاده از تجهیزات مخابراتی در این مانورها شرکت خواهند نمود.

در یکی دو هفته اخیر بر میزان اعمال فشار و تشدید فضای کنترل و ارباب در محیط های دانشجویی نیز افزوده گشته است. به ویژه با توجه به نزدیک شدن سالگرد جنبش دانشجویی خرداد و تیر بر فعالیت های امنیتی مزدوران حکومت و بر ابعاد حضور مهره های اطلاعاتی در دانشگاه های بزرگ افزوده شده است و به طور مثال تحرکات دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی در کوی دانشگاه به طور مشهودی فزونی گرفته است.

مزدوران جمهوری اسلامی با وقاحت تمام به دانشجویان اخطار می کنند که هرگونه تلاشی برای "آشوب" و "طغیان" را شدیداً سرکوب خواهند کرد. مقامات جمهوری اسلامی از کانال دستگاه های اجرایی خود در دانشگاه ها و به ویژه از کانال "کمیته های انضباطی" بر میزان فشار خویش برای مرعوب کردن دانشجویان افزوده اند. در همین رابطه در دانشگاه ارومیه بنابه گفته بهزاد تیزنویک عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی، از آغاز اردیبهشت ماه امسال تا کنون حداقل ۶۰ تن از فعالین دانشجویی از سوی کمیته انضباطی و یا همان دستگاه کنترل جمهوری اسلامی در دانشگاه فرا خوانده شده و تنبیه گشته اند. ۲۰ تن از این عده به گفته فرد مزبور به دو ترم تعلیق محکوم شدند.

اقدامات فوق تنها بیانگر گوشه ای از موج جدید هجوم سرکوبگرانه جمهوری اسلامی به مردم تحت ستم ما بوده و هراس حکومت از اوج یابی دوباره

جنبش اعتراضی توده ها برعلیه دیکتاتوری حاکم را به نمایش می گذارد. واقعیت این است که اعمال قهر و دیکتاتوری و سرکوب عریان توده ها در تمامی عرصه های حیات سیاسی- اجتماعی، جزء ذاتی حکومت جمهوری اسلامی و روبنای نظام استثمارگرانه ای است که این رژیم ضدخلقی از نخستین روز قدرت یابی خود به حفاظت و صیانت از آن مشغول بوده است. در این چارچوب ما شاهد بوده ایم که در تمام طول سال های حکومت جمهوری اسلامی، هر بار که سران رژیم کوچکترین احساس خطری از جانب توده های به جان آمده برعلیه نظام حاکم کرده اند و یا علانمی را مبنی بر امکان اوج یابی بحران های اقتصادی سیاسی نظام حاکم دیده اند، سریعاً و وسیعاً به حربه اعمال سرکوب و گسترش اختناق به منظور کنترل بحران های نظام خویش پرداخته اند و کوشیده اند تا با کاربرد شدیدتر زور و سرنیزه و با گستردن فضای پلیسی و اختناق، هرگونه ندای حق طلبانه و عدالت جویانه توده های محروم را در نطفه خفه کنند تا به این ترتیب دوام و بقای حاکمیت ضدردمی شان را تا مدت دیگری امکان پذیر سازند. این بار نیز هجوم سرکوبگرانه جمهوری اسلامی به توده ها در حالی به وقوع می پیوندد که مقامات رژیم به خوبی از

اوضاع بحرانی نظام حاکم مطلع اند و به روشنی می دانند که در شرایطی که نظام سرمایه داری وابسته حاکم، به قیمت پر کردن جیب دولت ها و کمپانی های غارتگر بین المللی و سرمایه داران زالوصفت وابسته، انبوهی از فقر و بیکاری و گرسنگی و فحشا و اعتیاد را برای میلیون ها تن از کارگران و خلق های محروم ما آفریده است، روزی نیست که آتش اعتراضات و اعتصابات کارگری و یا شورش های قهرآمیز توده ای و حرکت های دانشجویی در گوشه و کنار کشورشعله نکشد. در این چارچوب است که می بینیم حکومتی که بنابه سرشت طبقاتی ضدخلقی خویش نه می خواهد و نه می تواند کوچکترین خواست های صنفی و سیاسی توده های به پا خاسته را پاسخ گوید، برای حفظ و تحکیم موقعیت خویش چاره ای جز بگیر و ببیند، زندان و شکنجه و اعدام، شلاق زدن و دست و پا بردن و در یک کلام گستردن بساط رعب و وحشت و کنترل در هر کوی و برزن ندارد. به این اعتبار، موج اخیر سرکوب، قبل از هر چیز نشانگر رشد احساس ضعف و هراس در رژیم ضدخلقی ای است که مذبحخانه می کوشد تا تداوم حیات خویش را با ضدخلقی ترین شیوه ها امکان پذیر سازد. ■



در نتیجه رهبران BCFL و HEU با اعضای دولت برای سرکوب تظاهرات متحد شدند. آنها برای جلوگیری از تبدیل شدن تظاهرات به یک حرکت عظیم کارگری در روز ۲ ماه مه اعلام کردند که چون اتحادیه و دولت به توافق رسیده اند اعتصاب صورت نخواهد گرفت. توافق بین اتحادیه و دولت شامل ۱۵ درصد کاهش حقوق کارگران و اخراج ۶۰۰ کارگر بیمارستان و جایگزین کردنشان با کارگران قراردادی بود. رهبران اتحادیه در دفاع از سازش خود با دولت، که منجر به قربانی کردن منافع کارگران شد، مدعی شدند که گویا آنها لطمات را به حداقل رسانده اند و وضع می توانست از این هم بدتر شود.

مبارزات وسیع کارگران در بریتیش کلمبیا موجب گسترش اعتراضات در میان اقشار متوسط جامعه نیز شده است. کارگران و زحمتکشان این استان به شدت به مخالفت با سیاست های ضدردمی دولت

پرداخته اند. آنها بویژه به عوارض و اثرات منفی ای که خصوصی سازی از سوی دولت و سرمایه داران زالوصفت در زندگی روزمره آنها به جای گذارده، اعتراض می کنند. گستردگی دامنه اعتراضات اخیر، حتی روزنامه های دست راستی دولتی را نیز با وحشت مجبور به اعتراف به این حقیقت کرد که حمایت عمومی از کارگران بیمارستان ها از جانب اقشار میانی جامعه بسیار وسیع بوده و این حالت می توانست به اعتصابات صدهزار نفری بیانجامد.

حوادث بریتیش کلمبیا به کارگران نشان داد که رؤسای اتحادیه ها تا چه حد از اتحاد و مبارزه یکپارچه کارگران بر علیه نظام سرمایه داری می ترسند. تا جایی که برای حفظ نظام موجود آنها حتی تردیدی در قبول خواست های سرمایه داران برای کاهش حقوق کارگران و سقوط سطح خدمات اجتماعی نمی کنند. البته این اولین بار نیست که کارگران با این واقعیت روبرو شده اند. اعتصابات کارگران جنگل بانی و کارگران کشتی های مسافربری بریتیش کلمبیا در دسامبر گذشته نیز در

اثر خیانت رؤسای اتحادیه ها به شکست انجامید. همینطور اعتصابات معلمین استان انتاریو در سال ۱۹۹۷، و اعتصابات پرستاران استان کبک در سال ۱۹۹۹ از جمله حرکات اعتراضی ای بودند که رهبران سازشکار و دست نشانده سرمایه داران در اتحادیه ها نقش مهمی در شکست آنها ایفا کردند. تجربه اعتصابات اخیر کارگری و خیانت های رهبران اتحادیه های کارگری کانادا در به شکست کشاندن آنها یکبار دیگر این حقیقت را در عمل به کارگران مبارز کانادایی نشان داد که این تفکر که گویا کارگران می توانند با توافق طبقاتی در جهان سرمایه داری و یا صرفاً با مذاکره و آشتی و صلح با دشمنان شان یعنی سرمایه داران زالوصفت به خواسته هایشان برسند، توهم بیهوده و عبثی ست. کارگران تنها در صحنه مبارزه مستقیم با کل نظام موجود و با اتحاد و یکپارچگی و زدودن صفوف خویش از سازشکاران و مشاطه گران رنگارنگ نظام سرمایه داری ست که می توانند امید به بهبود اوضاع خویش را داشته باشند. ■



بولیوی:

در ۲۵ ماه مه هزاران معلم اعتصابی در حالیکه خیابان های اصلی شهر لاپاز را سنگربندی کرده بودند با پلیس مسلح بولیوی به نبردهای خیابانی پرداختند. معلمین اعتصابی خواهان ۵ درصد افزایش حقوق هستند. به رغم وجود ۷ درصد افزایش تورم (ادعای مقامات دولتی) این افزایش هنوز ناچیز است. اما حتی همین خواست بدیهی هم با مخالفت و سرکوب حکومت ضدحلقی مواجه شده است. معلمین بولیوی از جمله ۷۰ درصد جمعیت این کشور هستند که زیر خط فقر به سر می برند و بدلیل حاکمیت نظام سرمایه داری وابسته در بولیوی و دیکتاتوری و سرکوب عریان طبقه حاکم و دولت این کشور قادر به تأمین یک زندگی حداقل نیستند. در حال حاضر بولیوی از نظر اختلاف طبقاتی، یکی از بدترین کشورهای آمریکای لاتین به شمار می رود.

کلمبیا:

در روز ۲۷ ماه مه، ۱۶ هزار کارگر مزارع موز در منطقه "اروبا" (کلمبیا) اعتصاب نامحدودی را آغاز کردند. اعتصاب کنندگان خواهان ۹ درصد افزایش حقوق و بهتر شدن وضعیت بهداشت، تحصیل، مسکن و غیره هستند. کلمبیا پس از اکوادور و کاستوریکا، سومین تولیدکننده موز جهان است و ۹۰ درصد موز این کشور در منطقه "اروبا" تولید می شود.

کمپانی های بزرگی مثل "چکیتا" (آمریکایی) و "فای فی" (ایرلندی) با استفاده از قدرت و موقعیت انحصاری خود در این رشته در بازارهای جهانی، قیمت های بسیار نازلی را به تولیدکنندگان تحمیل کرده و آنها نیز به نوبه خویش ضررهای خود را (که به عنوان مثال سال گذشته حدود ۸ میلیون دلار بود)، با کاهش حقوق کارگران و تشدید استثمار آنها جبران می کنند.

از طرف دیگر سالهاست که منطقه "اروبا" به علت رشد جنین انقلابی کارگران و زحمتکشان، هدف عملیات تروریستی و جنایات گروه های شبه نظامی که از جانب سرمایه داران محلی و امپریالیست ها حمایت می شوند قرار گرفته است. اتحادیه کارگران مزارع موز از قربانیان اصلی این مزدوران هستند. از سال ۱۹۸۹ تاکنون حدود ۴۰۰ نفر از این کارگران توسط گروه های شبه نظامی دست راستی به قتل رسیده اند.

تداوم اعتصاب و تجمع

کارگران "کشت و صنعت مغان"

اعتصاب و حرکات اعتراضی کارگران بجان آمده از مظالم کارفرمایان و سرمایه داران زالوصفت و رژیم حامی آنان یعنی جمهوری اسلامی، در سراسر کشور ادامه دارد و روزی نیست که خبری از یک اعتراض و یا اعتصاب کارگری جدید با خواست پرداخت مزد و حقوق معوقه و یا سایر مطالبات

صنعی کارگران منتشر نشود. در همین رابطه در روزهای ۱۱ و ۱۲ خرداد سه هزار تن از کارگران و کارمندان شرکت "کشت و صنعت مغان" برای پنجمین و ششمین روز متوالی دست از کار کشیده و به دلیل بی توجهی مقامات به تحقق خواسته های برحق شان در مقابل درب ورودی این شرکت تجمع کردند. کارگران این شرکت خواستار پرداخت وجوه مربوط به اضافه کاری و مطالبات سال گذشته و همچنین استعفای هیأت مدیره و مدیرعامل این شرکت شده اند که با اعمال وحشیانه سیاست های ضدکارگری خود کمر کارگران را زیر بار فشار و استثمار خم کرده اند. کارگران شرکت کشت و صنعت مغان در سالهای اخیر بارها در مقابل سیاست های ضدحلقی گردانندگان شرکت و حامیان شان در حکومت دست به اعتراض و مقاومت زده اند و اعتصاب اخیر کارگران نیز این شرکت را به حالت نیمه تعطیل در آورده است.

اخباری از کردستان

رژیم جمهوری اسلامی بر ابعاد جنایات خود در کردستان افزوده و در ماههای اخیر سرکوب توده های تحت ستم را شدت بخشیده است. در همین رابطه در اوائل خرداد ماه، مزدوران حکومت در روستای سلطان آباد بوکان با به گلوله بستن یک اتومبیل، دو جوان به نام های عزم الدین خیاط و ابراهیم خاتمی را کشته و یک عابر دیگر را زخمی کردند. در این حال در اقدامی دیگر، مزدوران حکومت با هجوم به منازل مردم به جمع آوری آنتن های ماهواره ای پرداخته و مردم معترض را هم بی رحمانه مورد ضرب و شتم قرار داده و تعدادی را نیز دستگیر کردند. این اقدامات ضدحلقی خشم مردم منطقه را به شدت بر علیه رژیم جمهوری اسلامی برانگیخته است.

در روز ۷ خرداد در روستای "کیانوا" در منطقه مریوان نیز مردم معترضی که اتومبیل های آنها به بهانه های واهی توسط مزدوران رژیم توقیف شده بود، به مقر نیروهای انتظامی مراجعه کرده و خواستار رفع توقیف خودروهایشان می شوند. این قضیه به برخورد انجامیده و مردمی که از شدت تعدیات روزمره نیروهای انتظامی حکومت جان شان به لب شان رسیده بود ضمن درگیری با نیروهای رژیم تعدادی از آنها را خلع سلاح کرده و نهایتاً موفق به پس گیری اتومبیل های مصادره شده شدند.

از سوی دیگر در چارچوب سیاست تشدید سرکوب توده های مبارز کردستان و به ویژه زنان، رژیم جمهوری اسلامی به گسترش نهادهای سرکوب در این استان پرداخته و اخیراً شعبه "تعزیرات حکومت ویژه زنان" در کردستان را ایجاد کرده است. مطابق اظهارات کارگزاران جمهوری اسلامی، این نهاد سرکوبگر اساساً وظیفه "رسیدگی به تخلفات" و "صدور حکم" بر علیه "زنان متخلف" را بر عهده خواهد داشت.

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره فکسی و تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 208 - 8805621

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

